

ملاً اسدالله وجهی در ادب اردوی قدیم از لحاظ شخصیت و شعر و نثر همان مقامی را دارد که غالب دعلوی در زبان و ادب اردوی جدید به دست آورده است و ازین رو او را «غالب دکن» نیز می گویند.

در تاریخ زبان و ادب اردو افراد ماهر و با صلاحیت بسیاریند ولی وجهی در ادب اردو شرف و اعتبار لوکین فرد را بخارند. نخستین نثرنگار اردوست که انشائی^(۱) و ناول^(۲) نوشته است. «سب رس» در کارنامه آثار منشور او لوکین شاهکار نثر ادبی اردوست و افزون بر این وی نخستین ادیب اردوست که «سب رس» را وسیله اصلی و اساسی مشاهده و بیان تجارب انسانی - که لازمه ادب است - قرار داده است.

وجهی اوکین نقاد در ادب اردو نیز هست. زیرا وی قبل از همه در کتاب «قطب مشتری» معیارها و اصول نقد شعر و شاعری را بیان کرده و این اصول آن قدر با سلامتی ذهن و توازن

کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد، نسخه ای از دیوان وجهی محفوظ است که اگرچه ناقص و کرم خورده و بدون تاریخ کتابت و بی نام کتاب است و لوگ و آخرش افتاده، اما کتابی است درخور ارزش و حاوی اطلاعات تازه که در مآخذ دیگر چنان آگاهیهای یافت نمی شود. پیش از همه محققان مرحوم اختر حسن (متوفی اواسط سپتامبر ۱۹۹۵) این دیوان را معرفی کرده است. سپس نورالسعید اختر در کتاب «تتبع الحقائق» براساس آن دیوان، طرحی از سوانح حیات وجهی به دست داده است.

در زمان معاصر نخستین فرد که درباره اسدالله وجهی - ملک الشعرای دیوار محمد قلی قطب شاه - به طور جدی تحقیق کرده مرحوم مولوی عبدالحق پدر زبان اردوست که کتابهای «سب رس» و «قطب مشتری» او را با مقدمه هنلی محققانه به چاپ رسانده است: «از بیانات ایشان این قدر معلوم می شود

بررسی انتقادی «سب رس» شاهکار تمثیلی^(۱) «وجهی» در ادب اردو و مشابهتها و مآخذ آن در ادبیات فارسی

● ترجمه و تحقیق از: دکتر ابوالقاسم نادر

که این شاعر و نویسنده عالی مقام همری طویل یافت. از زمان ابراهیم قطب شاه تا زمان عبداللّه قطب شاه [در قید] حیات بوده و این طور [بوده که] دوران چهار تا [از] حکمرانان قطب شاهی را دیده است.^(۲)

وجهی در جای جای اشعارش به طبع خراسانی خود اشاره کرده می گوید:

من از هند آشکار گشتم لیک
طبع پاک من از خراسان است
یا:

شعر نادر معنی ام می رفت در شیراز اگر
همچو حافظ شهره ملک خراسان می شدم
پس از فوت محمد قلی قطب شاه در زمان جانشین او
سلطان محمد قطب شاه (که برادرزاده و داماد محمد قلی قطب
شاه بود) وجهی مورد بی مهری قرار می گیرد و اشعاری
گلایه آمیز می سراید. شاید علت این بدبینی و از نظر افتادن

فکری همراه است که امروزه نیز آنها به عنوان پایه های اساسی در نقد ادبی اردو اعتبار دارد. بر این اساس همان مقامی را که ارسطو در جهان ادب دارد وجهی در ادبیات اردو به دست آورده است.

سلطنت قطب شاهی (۹۲۴ هـ / ۱۵۱۸ م. - ۱۰۹۸ هـ / ۱۶۷۸ م.) در دکن دوره عروج شخصیتهای هنرمند و با فکر است. وجهی از لحاظ افکار، عقاید و اعمال نماینده و ترجمان تهلیب و تملکن دوره قطب شاهی است. و این باعث بخت و سعادت زبان اردوست که درباره حیات چنین هنرمند ارزنده ای اطلاعات کافی در دست است. اگرچه خانم دکتر رضیه اکبر در این باره می نویسد: «بسیار جای تأسف است که در تواریخ و تذکره های دوره قطب شاهی راجع به شرح حال و زندگی وجهی کسی توجه زیاد ننموده است... حتی پروفیسور دابوری هم از او هیچ ذکر ننموده است.»^(۳)

درباره وجهی وقایع بسیار و صور حال مختلف است. در

گر دیدید. در این زمان بود که وجهی «سپرس» را به زبان اردو
 دکنی نوشت. همان طور که اشاره شد او صاحب دیوان فارسی
 نیز بود که در ایران ناشناخته مانده است.
 اگرچه وجهی در هند نشو و نمو کرد به زبان فارسی تسلط
 کامل داشت و به ویژه در فن غزلسرائی طبعی روان و ذوقی لطیف
 داشت.

وجهی از دید پادشاه جدید این باشد که «اسدالله وجهی از اهل
 عیش و عشرت بود. خیلی رنگین طبع، [او] دوستدار می و
 معشوق ... و [نیز] می دانیم [که] سلطان محمد قطب شاه،
 برعکس محمدقلی قطب شاه، مردی بود خیلی پرهیزگار، پابند
 شرع و متقی ...»^(۲)
 به هر حال او زندگانی را در دوران پانزده ساله حکومت
 سلطان محمد قطب شاه در نهایت تنگدستی و آزرده دلی گذراند
 و در گوشه تنهایی به سر برد. خود در اشعارش به این دوره اشاره
 دارد:

پادشاه جهان مفلسیم
 خاک هم نیست در خزانه ما

تا اینکه دوباره در سال ۱۰۳۵ با تخت نشینی عبداللّه
 قطب شاه ستاره بخت و اقبال وجهی دوباره درخشیدن گرفت و
 شاهر از تنگدستی و عسرت نجات یافت و مجدداً سرآمد شاهران



رضیه اکبر می نویسد: «وی یکی از شاعران بسیار توانا و معروف دوره قطب شاهی است. دارای امتیاز خاص و رنگ مخصوص است. دلدادۀ کمال اسمعیل، حافظ شیرازی، حسن دهلوی و خسرو دهلوی به نظر می آید و بیشتر از ایشان پیروی نموده...»^(۷)

مولوی عبدالحق در مقدمۀ مبسوطی که بر «سب رس» نوشته درباره آن چنین اظهار نظر کرده است: «سب رس نه تنها اولین نثر اردوست بلکه اولین تمثیل صوفیانه هم به حساب می آید. در آن نشانه های مختلف است که مسائل تصوف بسیار دلچسب و با سبکی همه فهم در آن گنجانده شده است. از مطالعه این داستان این اندازه معلوم می شود که وجهی در شعر فارسی وارد و توانا بوده و عالم عربی و فارسی نیز بوده است. همچنین در زبانهای گجراتی، مراثی [زبان ایالت مهاراشترا که مرکز آن بمبئی است] برج بهاشا، دهلوی صاحب آگاهی بوده است چون که وجهی در «سب رس» اشعار، اقوال، محاورات و ضرب الامثال این زبانها را به کار برده و به مناسبتها از آیات و احادیث نیز بهره گرفته است.»^(۸)

قصه «سب رس» آفریده ذهن وجهی نیست بلکه از قصه نثری «حسن و دل» اثر شاعر فارسی محمدیحیی بن سبیک فتاحی

باشد به جست و جوی معشوق می فرستد. در حقیقت با این واقعه داستان را آغاز می کند و مطالب لطیف نغز در ضمن آن ذکر می شود تا اینکه دو عاشق (یعنی دل و حسن) بعد از سرگردانیا و راه گم کردنها به وصال هم می رسند. درین راه بسیاری از سایر اشخاص مستعار به دو عاشق کمک می کنند که از آن جمله است «خیال» که آینه دار «حسن» است...»^(۹)

دکتر نورالسعید اختر کشفی کرده که «حسن و دل» آفرینش فتاحی نیست بلکه مأخوذ از درام مشهور کرشن مشر به نام «پر بود» چند رودی^(۱۰) است و فتاحی از آن استفاده کرده است. جالب این است که فتاحی همچون وجهی اصل مأخذ را ذکر نکرده است.

در دوره کرشن مشر این نمایشنامه بسیار مشهور بوده است. گارسن دتاسی در مقاله خود مأخذ چندی آورده و نتیجه گرفته که این داستان بر اساس «پر بود» چند رودی است^(۱۱).

دکتر منظر اعظمی با توجه به مأخذ آلمانی، انگلیسی، فارسی، ترکی، گجراتی، مراثی و دکنی ۳۸ کتاب را نشان داده است که قصه «سب رس» مأخوذ از نمایشنامه «پر بود» است...»^(۱۲)

پیش از همه آثار نثری غیر مذهبی در اردو و اولین نمونه کامل



روانشناسی و مطالعات فرهنگی
روانشناسی و علم انسانی

و مثنوی «دستور عشاق» او مأخوذ است.

هرمان اته «حسن و دل» فتاحی را نمونه واقعی رمانهای استعاره ای مثنوی فارسی می داند و در این باره می نویسد: «حسن و دل منسوب به فتاحی... است و تخلص فتاحی در واقع از مقلوب آن است که فتاحی باشد. این شخص در غزلیات خود «اسراری» و «خماری» هم تخلص می کرده. وی در نیشابور به دنیا آمد و در عهد سلطان شاه رخ (۸۵۰ - ۸۰۷ هـ.) می زیست و شهرت علمی و ادبی داشت و غالباً گوشه گیر بود تا اینکه در [سال] ۸۵۳ در گذشت. موضوع رمان روان شناختی و مستعار او در ظاهر موضوعی است نماینده طبیعت انسانی، ولی در باطن مانند شعرای سلف و خلف او مشرب به مسائل عرفانی است و از شوق صوفی برای وصال الهی بحث می کند... به «حسن» یا زیبایی که دختر «عشق» است و در سرزمین «دیدار» حکومت دارد عشق می ورزد. در آنجا گلزار «رخسار» است که از سرچشمه «قم» (دهان) آب حیات جاری است. شبی «دل» از هرمان یار و آزار وی بیدار می شود و خدمتکار خود را که «نظر»

و اوگ از همه در «تمثیل نگاری» تصنیف شاهکار «سب رس» است. اگرچه کتابها و رساله های بسیاری بعد از آن نوشته شده ولی «سب رس» افتخار اوگ بودن را داراست. اگر هم اثری قبل از «سب رس» در زمینه تمثیل نوشته شده تا امروزه معلوم نشده است. اگرچه احسن مازهروی نوشته است که در زبان اردو اولین اثر نثری تصنیف «مراج العاشقین» اثر خواجه بنده نواز گیسودراز است.^(۱۳)

این نکته را مولوی عبدالحق در مقدمه «معراج العاشقین» یادآور شده، می نویسد: «تاکنون «معراج العاشقین» در میان کتابهای نثری قدیمترین است. ازین رو آن اولین کتاب نثری اردو به حساب می آید.»^(۱۷)

حامد حسن قادری در کتاب «داستان تاریخ اردو» (اگره، ۱۹۵۲ م.) صفحه ۱۷ رساله ای در اخلاق و تصوف خواجه سید اشرف جهانگیر سمنانی را اولین اثر در نثر اردو پنداشته است.

حکیم شمس الله قادری در صفحه ۴۰ از کتاب «نی اردوی قدیم» ثابت کرده که رساله های شیخ عین الدین گنج العلوم (متوفی سال ۷۹۵ هـ.) اولین کارنامه نثری اردوست. با این نظر دکتر سید محی الدین قادری زور در کتاب «اردو شه پاری» در ص ۱۹ موافق است.^(۱۸)

اگرچه دکتر رفیع سلطانه یک رساله به زبان دکنی را که «جزئیة» نام دارد اولین نمونه نثر اردو ذکر کرده ولی این گفته ثابت نشده و درباره «معراج العاشقین» هم به عنوان اولین نمونه نثر اردو نظرات دیگری وجود دارد که تقریباً آن را به عنوان اولین نثر رد می کند.^(۱۹)

وجهی از شاعران اوائل سده یازدهم هجری بود. در آن زمان

هندوستان فضایی مناسب برای سرایش شعر و سرود به زبان فارسی بود و رشک طبله عطار به حساب می آمد. رفیع سلطانه بنا به قول نصرالدین هاشمی می نویسد: «او از زمانه ابراهیم قطب شاه شروع به شاعری کرد.»^(۲۰) بر اساس این گفته و قیاس بر آن می توان نتیجه گرفت که وجهی در سال ۹۶۰ هـ. یا ۹۶۵ هـ. متولد شده است و اگر فوراً پس از تکمیل «سب رس» فوت شده باشد در آن هنگام ۸۰ یا ۸۵ ساله بوده است ... وجهی در زمان خود تنها شاعر نبود بلکه عالم و فاضل نیز بود و همراه بودن لفظ «ملا» با نام او حکایت از علم و فضل او دارد. آثار وی چون «سب رس»، «دیوان فارسی»، «قطب مشتری» و «تاج الحقایق» که در آنها از آیات، احادیث، ضرب المثله، محاوره های در زبانهای عربی، فارسی، گجراتی، دهلوی و مراجهی استفاده کرده، نشاندهنده علم و فضل اوست.

صاحب «حدیقه السلاطین» در مقابل غواصی^(۲۱) نام او را با لفظ «ملا» آورده و آن را حاکی از فضل و ادب او می داند و می نویسد که این لفظ ویژه اهل علم است. وجهی دوره اهتلائی گولکنده (پایتخت قطب شاهیان) را دیده، شاهد عینی دوره های ابراهیم قطب شاه، محمد قلی قطب شاه، محمد قطب شاه و عبدالله قطب شاه بوده است. دوره ابراهیم قطب شاه آغاز

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شهرت او بوده و در زمان محمّدقلی قطب شاه ملک الشعرا به شمار می رفته است.

وجهی بنیانگذار نثر غیر مذهبی نیز هست. در ادب داستانی اردو نیز از جهت ادبی «سب رس» نه تنها اولین اثر، بلکه یک شاهکار است. افزون بر اینکه در بردارنده پند و موعظه است، سبکی مسجع و مقفی و مصنوع و شکفته دارد و به قول دکتر گیان چند جین، خالق کتاب «در زبان اردو یک انشاءپرداز معمولی نیست بلکه او کسی است که در صدها سال تاریکی آغازین زبان اردو با خلق «سب رس» چراغ روشنی را برافروخت که نور آن تا جاهای دور پراکنده بود»^(۱۱).

«سب رس» را کتابی به شمار آورده اند که سبب نجات دین و دنیای هر دو گروه هندو و مسلمان از یک مسیر واحد است.

«دستور عشاق» در سال ۱۹۲۶ م. توسط آر. ایس. گرین شیلدس در مطبع آفتاب برلن چاپ شد. شیلدس مقدمه پر محتوایی هم بر آن نوشت. مولوی عبدالحق هم مقاله ای درباره «سب رس» در رساله اردو (جلد چهارم، حصه شانزدهم، اکتبر ۱۹۲۴ م.) منتشر کرد. وی همچنین در ۱۹۳۲ م. «سب رس» را تدوین کرد و مقدمه عالمانه ای درباره آن نوشت و از مقدمه گرین شیلدس بر «دستور عشاق» نیز استفاده کرد و آن را چاپ نمود. برخی «حسن و دل» را خلاصه نثری دستور عشاق می دانند. گرین شیلدس «حسن و دل» را کتاب مسجع مشتمل بر ۴۵۰ سطر می داند ولی گیان چند آن را دو کتاب می داند و می نویسد:

«این حقیقت است که وجهی هر دو کتاب دستور عشاق و حسن و دل را پیش نظر داشته ولی حسن و دل بیانات سرسری دستور عشاق است که خالی از تفصیل است»^(۱۲).

البته این نکته قابل انکار نیست که وجهی در بعضی جاهای «سب رس» نیز از تفصیلات دستور عشاق احتراز کرده است. «دستور عشاق» چاپ شده، ۴۱۶ صفحه و پنج هزار بیت دارد در حالی که قصه «حسن و دل» فقط مشتمل بر ۴۵۰ سطر است. ممکن نیست که حدود ۳۰۰ صفحه چاپ شده سب رس مبنی بر خلاصه یک کتاب ۴۵۰ سطری باشد. سؤال این است که وجهی بیانات و پند و موعظه های طولانی به اصل داستان اضافه کرده و قصه «سب رس» را بر اساس ۴۵۰ سطر آفریده باشد. به هر حال این سخن چندان مهم نیست که وجهی از «دستور عشاق» فتاحی استفاده کرده یا از حسن و دل بهره برده بلکه آنچه اهمیت دارد این است که در جای جای «دستور عشاق» و «سب رس» در واقعات و بیان خفیف و جلی، اختلافات هست. حال این سخن بنیادی می ماند که وجهی در «سب رس» هوشیارانه ذکر حضرت خضر علیه السلام را کرده ولی تشریحات آن را حذف کرده است.

دستور عشاق و ماخذ آن

مصنف «دستور عشاق» محمّدیحیی بن سبیک فتاحی بنیابوری است که در زمان حکومت شاهرخ میرزا بوده است. گرین شیلدس تاریخ وفات او را ۸۵۲ هـ. / ۱۴۴۸ م. نوشته در

حالی که مطابق قول حاجی خلیفه «فوت او در سال ۸۵۳ هـ. بوده است»^(۱۳).

دولت شاه سمرقندی علم و فضل او را بیان کرده و به درویشی و بی نیازی او اشاره کرده است. خود فتاحی در «شبهستان خیال» گوشه نشینی اش را یادآوری کرده است و سروری شاعر ترک شرحی به زبان ترکی بر «شبهستان خیال» نوشته و یک شاعر دیگر ترک به نام عمری از آن تقلید کرده است.

گرین شیلدس می نویسد که او «شبهستان خیال» را پس از «حسن و دل» نوشته است و درباره حسن و دل می گوید که مطلع و مقطعات حلّ ذقاییق عشق بازی است»^(۱۴).

«شبهستان خیال» تصنیف فتاحی در نظم، و خلاصه «دستور عشاق» است. البته «حسن و دل» در نثر مقفی است که ذکر مسوده های متعدّد آن را ریو (Rieu) در «فهرست مخطوطات فارسی بریتیش میوزیم» آورده است. مطابق نوشته گرین شیلدس این رساله سه بار چاپ و ترجمه شده است: دو نوبت به انگلیسی که اول توسط آرتور ویلیام پرایس در سال ۱۸۲۸ م. انتشار یافته و سپس دکتر رودلف دوراک (Rudolf Dvorak) آن را پس از مقابله و تصحیح با سه نسخه دیگر به همراه متن در سال ۱۸۸۹ منتشر کرده است.

دکتر دوراک نیز در اروپا اولین کسی است که ضمن ترجمه و انتشار متن «حسن و دل»، سوانح عمری فتاحی را نیز مدون کرده است. مقاله ای درباره داستان نوشته و با خلاصه «حسن و دل» لامعی شاعر ترک (متوفی ۹۳۸ هـ. / ۱۵۳۱ م.) نیز مقابله کرده است.^(۱۵) [اته سال فوت لامعی را ۹۳۷ هـ. آورده - به نقل از «تاریخ ادبیات ایران»، ترجمه ص ۲۳۹]

نظر ای. جی. الیس (A. G. ELLIS) این است که فتاحی ابتدا مثنوی «دستور عشاق» را نگاشته و سپس بر اساس آن به طور خلاصه قصه مشهور «حسن و دل» را بنویسیده است (از مقدمه انگلیسی گرین شیلدس بر «دستور عشاق» چاپ برلن).

گرین شیلدس همچنین از یک نسخه دیگر فارسی «حسن و دل» یاد کرده که آن را خواننده محمّد بیگلر (۱۰۹۵ هـ. / ۱۶۸۳ م.) در عهد شاه عالمگیر نوشته و به او اهدا کرده است. اته یادآور می شود که خواننده محمّد بیگلر ظاهراً با عبدالقادر بیگلر معروف یکی است.^(۱۶)

حقیقت این است که این داستان مثنوی به صورتها و راههای گوناگون به هندوستان آمده است. نام مصنف دستور عشاق در صفحات ۳۳، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۲ و ۳۱۳ مکتوب است و مطابق نقل گرین شیلدس تاریخ تصنیف این کتاب به حساب ابرجد دار خرم یعنی ۸۴۰ هـ. / ۱۴۴۹ م. است چنانچه از دو بیت زیر برمی آید:

پایی روضه بوستان عالم
چو تاریخ تماش دار خرم

اما در اصل کتاب، چنین آمده:
بی این روضه بوستان عالم

[از مقدمه دستور عشاق]

چو تاریخ تمامش داز خرم

«حسن و دل» داستانی است که در پس پرده، حکایت امتزاز و معارف کرده است. دکتر نورالسعید اختر در مقاله خود اظهار نظر کرده که سبک اثر فتاحی به طرز «پر بود ه...» کرشن مشر درام نویس مشهور سانسکریت در سده یازدهم میلادی است که جناب دیوی سنگه- چوهان آن را در ماه آوریل ۱۹۶۱ م. چاپ کرده است. به قول دیوی سنگه- چوهان «پر بود ه...» در سرزمینها و زبانهای مختلف به ویژه زبان گجراتی اثر بسیار نگاشته و بر اساس این نظر فتاحی نیز آن را دیده و تحت تأثیر آن قرار گرفته و به قول نورالسعید اختر، کرشن مشر پیشرو فتاحی است و از اشعاری که در «دستور عشاق» آمده این فکر تقویت می شود که فتاحی از اثر کرشن مشر استفاده کرده است.

در آغاز کتاب (ص ۴) فتاحی چنین سروده است:

به هندوستان شنیدم بر همن هست
که در عشق بت افشانند ز جان دست
چو سوزد بت بسوزد خویشتن را
بسوزد پیش رویش بر همن را
شود هندوی انگشتی در آتش

که دارد با بت زرین دمی خوش

در مجموع درباره اقتباس فتاحی این نظر اظهار شده که فتاحی از نظر فرم و سبک و تأثیر تصوف و فراوانی ثروت و شادابی هندوستانی از نتیجه فکر و سبک و فرم یک بر همن استفاده کرده است.

پر بود ه... و ترجمه های آن در زبانهای مختلف

اولین ترجمه «پر بود ه...» به زبان گجراتی است که بر ادبیات گجراتی تأثیری خاص گذاشته است. این ترجمه در سده سیزدهم میلادی توسط یک ادیب گجراتی به نام جن پر بها جاریه تحت عنوان «بهیو چرت» انجام گرفت. ۹ ترجمه دیگر از «پر بود ه...» به زبان گجراتی بین سده پانزدهم تا هجدهم انجام گرفته که نوشتن درباره آنها را در اینجا لازم نمی بینم. ^(۳۵) همچنین این اثر در زبان گویاری ترجمه منظوم شده و گارسن دتاس در مجموعه مقالات و خطبات خود چندین کتاب را نشان داده که مرهون تأثیر این درام سانسکریت هستند. بر این اساس این نمایشنامه در هندوستان به اندازه کافی مقبول بوده است به طوری که دو ترجمه در سالهای ۱۷۰۳ و ۱۹۰۸ میلادی به ترتیب توسط مادهو سوامی و نی ولر کر به زبان مراٹھی و چهار



اسلحی (تحت عنوان «حسن و دل»، ۱۶۴۴ م. به صورت منظوم)، بنی خرد (با عنوان «قصه حسن و دل»، ۱۶۸۲ م. منظوم)، بیدل (زیر عنوان «قصه حسن و دل»، ۱۶۸۵ م. به نثر)، نعمت خان عالی (با عنوان «مضحکات حسن و دل»، ۱۷۰۹ م.) و ولی (تحت همان عنوان «پر بود ه...» به نثر) به زبان فارسی برگردانده شده است.

همین طور شش ترجمه به زبان اردو دکنی از «پر بود ه...» به وسیله ملا وجهی (تحت عنوان «سب رس»، ۱۶۳۵ م. - منثور)، ذوقی (با عنوان «وصال العاشقین»، ۱۶۹۷ م. - منظوم)، مجرمی (به نام «گلشن حسن و دل»، ۱۷۰۲ م. - منظوم)، قادری

(با نام «سب رس منظوم»، ۱۷۴۵ م. - منظوم)، خاتم دکهنی (تحت عنوان «حسن و دل»، ۱۷۳۷ م. / ۱۱۵۰ ه. - منظوم)، و عطایی (به نام «رساله دلپسند»، ... - منظوم) انجام گرفته است. نصیرالدین هاشمی ترتیب دهنده «فهرست مخطوطات اردوی کتابخانه آصفیه» نام خاتم دکهنی را حاکم دکهنی نوشته و تاریخ تصنیف اثر او را پس از ۱۲۰۰ نشان داده است ولی دکتر گیان چند نام خاتم و تاریخ تصنیف را ۱۱۵۰ ه. آورده است. البته تاریخ کتابت ۱۲۱۴ ه. است و همین قول درست است. به زبان اردو شمالی نیز سه برگردان ازین اثر به نام «جان جهان» از حکیم میرعلی خان (۱۸۴۴ م. / ۱۲۹۱ ه. به نظم)، «حسن و دل» از خیرالدین خواجه (۱۸۴۷ م. / ۱۲۶۲ ه. به نظم) و «قصه حسن و دل» از منشی غلام شاه بهیک (۱۸۰۱ م. به نثر) صورت گرفته است.

و در زبان انگلیسی آرتور براون (۱۸۰۱ م.) و ویلیام پرایس (۱۸۲۱ م.) و آر. ایس. گرین شیلدس تحت عنوان «دستور عشاق» (اصحیح و چاپ با مقدمه ۱۹۲۶) «پر بود ه...» را ترجمه کرده‌اند و دکتر رودلف دوراک در ۱۸۸۹ م. این اثر را به زبان آلمانی برگردانده است.

دکتر رفیعه سلطانه مثنوی مشهور فارسی «اسلامان و ابدال» جامی و داستان مشهور فرانسوی زبان Roman de La Rose را نیز متأثر از این اثر پنداشته است.

دکتر نورالسمیع اختر، فیزی کوئین [Fairy Queen] اسپنسر و پلگرمس پروگریس، جان بنین رانیز که صفات مجرد را به صورت شخصیت‌های مجسم ارائه کرده نتیجه اثرات این قصه تصور کرده است.

به طور کلی تعداد ترجمه‌های «پر بود ه...» ۱۶ و کتابهای متعلق به «دستور عشاق» ۲۴ اثر است.^(۲۰)

در ترجمه نسخه آمده: «نسخه پر بود ه... چند... را که در زبان فارسی گلزار حال می‌نامند از تصنیف تخم دانش و پیکر معنوی از خود گذشته به حق پیوسته از او نطق سوامی بنوالی داس حرف «ولی رام» ذره بی مقدار خاکسار... است...»^(۲۱) نسخه «پر بود ه...» بنوالی داس به دست یکی از شاگردان او به نام دلارام نوشته شده است که در ۱۸ محرم الحرام سال ۱۲۳۱ ه. کامل شده و نسخه آن پوسیده و به خط شکسته است و بی اندازه بدخط و جای جایش دارای اغلاط املائی، و در ۱۲۲ صفحه است.^(۲۲)

خود بنوالی داس ولی می‌تویسد: «بدان [و] آگاه باش [که] این نسخه ای است [به نام] «پر بود ه...» ناتک از تصنیف حقایق و معارف آگاه اوستاد اهل الله کرشن داس [= کرشن مشر] بهت که در زبان فصاحت بیان سنسکرت مشتمل بر شش فصل یعنی شش چمن ترتیب یافته بود. بعد از آن این نسخه زیبا و لطیفه رهنما را که بیدار ساز خفتگان عالم غفلت و راهنمای گمراهان بادیه ضلالت سرآمد حقیقت شناسان کشور گمراهی و سرخلفه دانش اندوزان دیار دانایی یعنی سوامی نند داس، در زبان گویا که آن را «بهاکها» می‌نامند منتظم کرده بود... چون

از مطالعه نسخه مذکور در خاطر فقیر فقیر بنوالی داس که در شعر تخلص «ولی» دارد- ریاهی شاهد بر این معنی است:

اسم به دلم نیست به جز بنوالی
در شعر تخلصم ولی ای والی
گر در نگری ز اصل دائم پالی
از اسم در جسم و از تخلص خالی

... به زبان فارسی منسلک ساخته تا طالبان صادق از عطر این حقایق معطر شوند.

«پر بود ه...» اثر کرشن مشر همان طور که اشاره شد یک نمایشنامه تمثیلی بی نظیر در زبان سنسکرت است که صفات مجرد را مجسم کرده است. این نمایشنامه پر از سخنان فیلسوفانه و وعظ و نصیحت است. «پر بود ه...» در شش باب است و در هر باب شکل کردارهای صفات انسانی را به طور مجرد پیش می‌کشد و به وسیله حرکات و مکالمه‌ها تأثیر خود را می‌گذارد.

موضوع دو اثر «پر بود ه...» و «دستور عشاق» کاملاً متفاوت است و جدا، زیرا در «پر بود ه...» تکیه بر عظمت مذهب است به ویژه وشنو بهکتی تفسیر زندگی صحیح را بر مبنا و اساس عقل می‌داند که به غیر ازین راه، امکان زندگی درست وجود ندارد و اگر بنیاد زندگی را آدمی بر عشق و هوس و شراب و شاهد قرار دهد به سپاهی و تاریکی می‌افتد و تنها راه نجات را [پیروی از] عقیده حقیقی و مخلصانه بهکتی می‌داند. بر این اساس است که یوگ و رهبانیت را وسیله تعلیم قرار داده است. خویشتنداری و کف نفس و پیروی آدمی را از مذهب و عقل در کنار هم برای آرامش دل و قلب ارائه می‌کند. درحالی که در «دستور عشاق»، عشق حقیقی مبنا و احسن عنصر بنیادی است. همچنین در «پر بود ه...» جنگ بین دنیاداری یا ماده پرستی و مذهب است در صورتی که در «دستور عشاق» حسن در داستان مرکزیت دارد و بیشتر قهرمانان نیز در «پر بود ه...» واقعی و فطری به نظر نمی‌رسد در صورتی که در «دستور عشاق» یک قهرمان مناسبت واقعی دارد. در «پر بود ه...» عشق شکست خورده است درحالی که در «دستور عشاق» درس عظمت عشق و صفای قلب داده می‌شود. از لحاظ سبک و شکل داستان نیز «دستور عشاق» منطقی تر و مناسب تر به نظر می‌آید. اگرچه هر دو غیرمادیات و صفات مجرد را مجسم کرده‌اند. در هر دو میان عشق و عقل جنگ است که در یکی عشق پیروز می‌شود و در دیگری عقل. در هر دو لامذهبی و ماده پرستی نفی می‌شود و جست و جو و تلاش در داستان مرکزیت دارند. در «پر بود ه...» کرشن مشر راه نجات را در نزدیک شدن به «وشنو بهکتی» می‌داند و فتاحی در «دستور عشاق» از چشمه آب حیات سخن می‌گوید. در هر دو اثر هیش و تنعم دنیایی، باده نوشی و شاهدبازی و فلسفه لذت نکوهش می‌شود. اگرچه راه هر دو اثر از نظر تسلسل واقعات مختلف است ولی گاه اشتراکات جزئی بین آنها وجود دارد.

«سب رس»، ص ۱۵). بر این قیاس وجوه اختلاف بیان می شود:

۱- ذکر امور در «دستور عشاق» مفصل است در حالی که «حسن و دل» خلاصه است. وجهی هم تفصیل به کار نمی برد.

۲- وقتی که عروسی حسن و دل برپا می شود فتاحی به وسیله دف، گل، چنگ، بنفشه، نرگس و کاسه چینی، مناظر پر لطف عرضه می کند در صورتی که در قصه «حسن و دل» و «سب رس» از این دو خبری نیست.

۳- در سلسله وقایع نزدیک عروسی قامت و زلف و دیگر امرا دهوت می شوند در حالی که در «سب رس» چنین نیست.

۴- وجهی در «گلشن رخسار» ذکر ملاقات خضر را ضمن بیان چند سطر تمام می کند در صورتی که در «دستور عشاق» خضر دل را معنی و معرفت تلقین می کند.

۵- در «سب رس» خاتمه قصه مبهم است. در حالی که در دستور عشاق فتاحی از زبان خضر تمام اسرار حقیقت را بازگو می کند.

۶- فتاحی در نامه هایی که به عنوان حسن به دل و دل به حسن می نویسد آنها را وسیله قرار داده به نهایت درجه از صنایع و بدایع بهره می گیرد در صورتی که «سب رس» خالی از این صنایع بدیعی است.

۷- در «سب رس» عقل ملک سیستان است در حالی که در «حسن و دل» یونان است.

۸- در «دستور عشاق» در بارگاه حسن مکالمات دلچسب صورت می گیرد ولی در «سب رس» چنین مکالماتی وجود ندارد.

۹- در «دستور عشاق» سخنهای مؤثر در بیان حقایق و معارف وجود دارد. در صورتی که در «سب رس» یکی دو سخن بیشتر در این باره نیامده است.

۱۰- در ملاقات عقل و عشق (یا دل) در «دستور عشاق» تعاریف مناسب در ستایش این دو آمده است در حالی که در «سب رس» چنین نیست.

مولوی عبدالحق بر اساس موارد فوق نتیجه می گیرد که وجهی صرفاً «حسن و دل» را پیش نظر داشته و «دستور عشاق»، مدنظر او نبوده است.

از مطالعه تفصیلی «دستور عشاق» و «سب رس» معلوم می شود که فتاحی واقعات را به سبک حکیمانه بیان کرده ولی وجهی در بعضی جاها غیر حکیمانه رفتار کرده است و احساس می شود که او وقتی نفس واقعه را در یکی دو جمله بیان کرده و نصایح بسیار از خود آورده طبیعی است که بیانات غیر فطری جای عبارات مناسب را بگیرد. همچنین هردو از آیات و احادیث دلیل آورده اند، با توجه به این نکته که وجهی از محاورات و امثال دکنی سود جسته و فتاحی از تشبیهات و استعارات فارسی بهره فراوان گرفته است. مولوی عبدالحق این مثنوی حماسی را به خوبی ستوده و یادآور شده که زبان شسته، بیان بسیار پاک و صاف، اندیشه عالی و اشعار چپست و روان است اگرچه با



اختلافات «دستور عشاق» و «سب رس»

هیچ شکی نیست که وجهی در «سب رس» از قصه «حسن و دل» تقلید کرده است و قصه «حسن و دل» هم تلخیص «دستور عشاق» است. بنابراین بین واقعات «دستور عشاق» و «سب رس» اختلافات نیز جزئی است. تنها اختلاف اساسی در سلسله بیان واقعه است و مجموعه واقعات «دستور عشاق» بر قالب «سب رس» اثر نگذاشته است. بیشتر مواقع بیان فتاحی حکیمانه است ولی وجهی بی جا داستان را مختصر کرده و از جانب خود پند و موعظه در آن آورده است. بدین سبب خوب است که این اختلافات بررسی شود. مولوی عبدالحق به هنگام تدوین «سب رس» بحث «دستور عشاق» و قصه «حسن و دل» را به مناسبت پیش می کشد و چنین نتیجه می گیرد که وجهی فقط «حسن و دل» فتاحی را که به نشر است در دست داشته و از این نظر «دستور عشاق» مورد توجه او نبوده است (مقدمه

صنایع و بناهای آمیخته است، همان طور که از دیگر تصانیف او برمی آید. ولی او در مثنوی «دستور عشاق» پا را از جاده اعتدال بیرون نگذاشته است. فتاحی در توصیف اسباب زفاف، شکوه و شکایت، ناز و نیاز، بوس و کنار، وهل بیانش بسیار فنی و صنعتگرانه است:

دو بی دل هر دو لب بر لب نهادند
دهان جان به شیرینی گشادند
دل القصه همه شب تا سحرگاه
همی زد راه خواب از عیش دلخواه
چو شمعش در قیام آن شب به سر شد
ز شب خیزی شب بختش سحر شد

وجهی تمام واقعات را مختصر بیان می کند. وجهی همچون فتاحی دهان را چشمه آب حیات نشان داده ولی فتاحی آن را زیاده روشن و خوب بیان کرده و دهان را چشمه و سخن را آب حیات آورده و چنین توصیف کرده است.

سخن روح الله پاک است در اسم
ز حق السقای او با مریم جسم
سخن دری ست از دریای اعظم
سخن نوری است در مشکات آدم!
سخن باران فیض ذوالجلال است
نزولش ز آسمان لایزال است
سخن علم لدنی را نشان است
که از تعلیم علمه البیان است
سخن آب حیات است از کرامت
وزو زنده ست تا روز قیامت
سخن دارد زجان سرچشمه نوش
سخن جان دارد از من در سخن گوش
سخن از فتح فتاحی فتوحی ست
که هر بالای از او مفتاح روحی ست

[نقل از مقدمه مولوی عبدالحق بر «سب رس»]
«سب رس» وجهی ثمره اکبر یا نتیجه بزرگ مواصلت پاکیزه حسن و دل است.

سب رس یک تمثیل موفق

هر تمثیل دارای دو رویه است: ظاهری و باطنی؛ خواننده که از ظاهر به باطن هدایت می شود. «سب رس» در اردو یک تمثیل زیباست. سبک و روش نگارش افزون بر کشمکش عشق و عقل و گزارش داستانی «حسن و دل» که دلچسب بنا شده واقعات، ترتیب و ارتقای آن مرهون «دستور عشاق» و «حسن دل» است. اسلوب و سبک بدون شک همان است. موضوع «سب رس» جست و جوی آب حیات است و روابط ازلی عشق و دل را به روشنی بیان می کند. دل منبع عشق است لیکن عشقی که با حسن همافزوس است و ناگزیر است از منزلها و مراحل مختلف بگذرد. فراق و وصال یک کشمکش مجازی نیست. حقیقت نیز امتیاز است. گذشتن راه سلوک و معرفت نیز دشوار

است و بیابانها و مراحل را باید گذر کرد. راه سبک و فرهاد نیست، راهی است که شبلی و یازید نیز گذر کرده اند. در حقیقت و مجاز، فانی و لافانی البته فرق هست با وجود این، نقش هر دو بر جریده عالم ثبت است. سبک «سب رس» عاشقانه و داستانی است و در آن جذابیت نیز زیاد است. دکتر گیان چند حسن و لطافت «سب رس» را حسن انسانی و بیان کیفیتهای عشق مجازی می داند که در آن پوشیده است و اندیشه آن در رشته مقدس عرفان محصور است.

دکتر رفیعہ سلطانه می نویسد: «سبک قصه های ثری و جهی امروزه نایاب است ولیکن وجهی نثر اردو را نشو و نما داده.»^(۳۲) «گیان چند هم این نظر را دلاورد و «سب رس» را اثری می داند که وجهی به سبک آن بیش از پیش توجه کرده و نثر را در آن به بلندی رسانده و می توان آن را در اردو اولین کوشش در انشاپردازی داستان دانست.»^(۳۳)

دکتر رفیعہ سلطانه می نویسد: شکی نیست که این عشق مجازی یک تمثیل بسیار خوب نیز هست. محبت، رشک، فراق و وصال را به بهترین صورت تصویر کرده است. از واقعات عشقی عام و افسانه، مثلث ابدی محبت بنا نهاده است. وجهی در «سب رس» زندگی را شکل مجسم داده است. یعنی «بدن» یک صفحه است و در آن احساسات و گرایشهای مختلف و متضاد بر سر پیکار به نظر می آیند. انسان واقعا گهواره سرشتهای مختلف و متضاد است. عقل، جبلت و احساسات، نفسیات، شعور و لاشعور و خواهشهای مختلف و متضاد... در راه زندگی، سنگهای گران چندی وجودی دارد. وجهی مراحل مختلف سلوک و طریقت را تصویرسازی کرده و نیز کشمکش بین روحانیت و مادیت را عکاسی کرده است. این رساله بهترین نمونه کشمکش انسانی در خواهش دنیا و خواهش عقبی است. داستان تجسم صفات و جلیات است.

دکتر گیان چند به نقل از دکتر سیده جعفر، ماستر رام چندر را اولین انشائیه نگار می داند. در صورتی که بسیاری از اهل قلم متفق بر این هستند که اولین انشائیه نگار، وجهی است. دکتر نورالسعید اختر مقاله ای در نشریه «شاعر»^(۳۴) تحت عنوان «اردو کاپهلا انشائیه نگار» یا «نخستین انشائیه نگار» (مقاله نویس) اردو» چاپ کرده و درباره ویژگیهای انشائیه بحث کرده و با رعایت اصولی چند ثابت کرده که اولین انشائیه نگار وجهی است.

اسلوب سب رس

سب رس به نثر مصنوع و رنگین نوشته شده. سجع و قافیه نیز التزام شده و لیکن کاربرد آن به طوری است که شکفتگی و سلاست را از دست نداده.

اسلوب «سب رس» گام بسیار مهمی در ترقی نثر اردو به شمار می رود. زبان در آن فقط وسیله انتقال و اظهار مفاهیم نیست بلکه وجهی بدان جنبه ادبی و ذوقی داده با آمیزش نثر و نظم، سبکی جدید پدید آورده. اساساً «سب رس» به جهت

بی تکلفی، حسن و زیبایی در زمره نثرهای اولیه اردو به حساب می‌آید و سخن وجهی در نثر اردو حسن، توانایی ادبی و تنوع می‌بخشد.

وجهی از عبارات طولانی استفاده می‌کند و در کاربرد قوافی به دو یا چهار اکتفا نمی‌کند بلکه در بیان معرفی شخصیتها و صفات، قوافی متعددی به کار می‌برد. گیان چند این را صحیح دانسته و آن را نمود مهارت و مقصود انشای پر دانه او می‌داند. وجهی قافیه‌ها، تشبیهات و استعارات بسیار می‌آورد و زیاد پاینده معنی آفرینی نیست.

از آنجا که وجهی قصه (حسن و دل) - که مسجع و مقفی بوده و افزون بر آن در فارسی نثر ظهوری ترشیزی (وفات ۱۰۲۶ هـ/ ۱۶۱۷ م.) را پیش رو داشته، بعید نیست که وجهی تحت تاثیر آنها قرار گرفته باشد. ازین روست که آرایش لفظی مورد پسند وجهی بوده است. موزونیت و وقار در نثر وجهی زمانی دیده می‌شود که وی به علت آشنایی با ادب دو زبان (فارسی و اردو) از آیات و احادیث، مکالمات، ضرب الامثال به طریق مناسب استفاده می‌کند و جابه‌جا در نثرش از ضرب المثلها و اقوال فارسی و عربی بهره می‌گیرد.

زبان «سب‌رس»

همان‌طور که اشاره شد مولوی عبدالحق می‌نویسد که با ایجاد «سب‌رس» زبان اردو نشو و نما و ترقی پیدا کرد و زبان در تحریر و روش ادبی حالت عادی و متعارف یافت. افزون بر اثرات زبانهای محلی مانند پنجابی و مراتھی الفاظی از زبانهای دیگر وارد زبان «سب‌رس» شد و محاورات تازه‌ای در زبان آن به کار رفت که سابقه نداشت.

یک ویژگی دیگر «سب‌رس» آن است که در آن روایات فارسی و عربی بر عکس روایات هندوستانی و تهذیب و فضایی هندوستانی اثر بسیار گذاشته است. به هر حال عظمت ادبی «سب‌رس» بر همگان به ویژه پژوهشگران و صاحب نظران ادب داستانی اردو کاملاً مسلم است. □^(۳۵)

پانویس:

۱. تمثیل = ALLEGORY (درباره تمثیل رجوع کنید به: گفتاری درباره نقد، گرهام هوف، ترجمه نسرتین پروینی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، صص ۱۳۰-۱۳۶ و یا مآخذ دیگر).
۲. انشاییه در ادب اردو در برابر ESSAY به کار رفته (فرهنگ اردو-انگلیسی، مولوی عبدالحق).
۳. در ادب اردو به جای واژه فرانسوی رمان (Roman) ناول (NOVEL) انگلیسی متداول است.
۴. «نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی» (حیدرآباد دکن، ۱۹۸۲) صص ۵۶-۵۷.
۵. همان مآخذ و صفحه.
۶. همان مآخذ، صص ۵۷-۵۸.
۷. همان مآخذ، ص ۶۰.
۸. «سب‌رس»، انجمن ترقی اردو هند، ۱۹۳۲، مقدمه.
۹. «تاریخ ادبیات فارسی»، ترجمه رضازاده شفق، نگاه ترجمه و نشر

۱۰. این اثر به نام «گلزار حال» به تصحیح سید امیر حسن عابدی و تارا چند در سال ۱۹۶۱ م. در علی گره مسلم یونیورسٹی چاپ شده است.
۱۱. «خطبات گلزار داناسی» - انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن، صص ۲۴۱ به نقل از «اردو مین تمثیل نگاری» از منظر اعظمی، انجمن ترقی اردو، دهلی، چاپ دوم، ۱۹۹۲، صص ۱۱۶-۱۱۷.
۱۲. نقل از مقدمه خلیق انجم بر کتاب «سب‌رس کانتییدی جائزه» از منظر اعظمی انجمن ترقی اردو دهلی، چاپ دوم، ۱۹۸۶ م، صص ۱۱-۱۲ به اختصار.
۱۳. «تاریخ نثر اردو»، صص ۳۴.
۱۴. به حواله «اردو نثر کا آغاز و ارتقاء» یا «آغاز و ارتقای نثر اردو» از دکتر رفیع سلطانه، چاپ مجلس تحقیقات اردو، حیدرآباد دکن، صص ۷۲.
۱۵. تماماً نقل از کتاب «سب‌رس کانتییدی جائزه»، منظر اعظمی، صص ۱۳-۱۴ متن و زیرنویس.
۱۶. همان مآخذ، صص ۱۴-۱۵.
۱۷. «دکن مین اردو» یا «لردو در دکن»، طبع چهارم، صص ۴.
۱۸. شاعر بلندیایه و قادر الکلام دوره قطب شاهی (دکنی ادب، قیوم صادق، گلبرگه، ۱۹۸۸، صص ۹۸).
۱۹. «اردو کی نثری داستانین» یا «داستانهای نثری اردو»، لکهنو، اردو اکادمی، ۱۹۸۷، صص ۱۳۰.
۲۰. همان مآخذ، صص ۱۲۴.
۲۱. مقدمه گرین شیلدس، متن فارسی «دستور عشاق» چاپ برلن.
۲۲. مقدمه فارسی «دستور عشاق» چاپ برلن.
۲۳. عزیز احمد. «سب‌رس» کی مآخذ اور مماثلات» یا «مآخذ و مشابهات سب‌رس»، صص ۹-۱۰.
۲۴. «تاریخ ادبیات ایران»، ترجمه شفق، صص ۲۳۹.
۲۵. رث: منظر اعظمی، «سب‌رس کانتییدی جائزه»، صص ۳۱-۳۲.
۲۶. همان مآخذ، صص ۳۲.
۲۷. مقدمه «سب‌رس»، صص ۱۲-۱۳.
۲۸. مقدمه «دستور عشاق»، چاپ برلن، ۱۹۲۶ ملاحظه شود.
۲۹. سب‌رس کانتییدی جائزه، ترجمه و تلخیص صص ۳۳-۳۶.
۳۰. همان مآخذ، صص ۳۹.
۳۱. «اردو نثر کا آغاز و ارتقاء» یا «آغاز و ارتقای نثر اردو»، صص ۲۵۴-۲۵۵.
۳۲. «اردو کی نثری داستانین» یا «داستانهای منشور در اردو»، صص ۱۲۷.
۳۳. «شاعر» ج اول، شصت و پنجم، ۱۹۷۰.
۳۴. مآخذ اصلی مقاله چاپ دوم، کتاب «سب‌رس کانتییدی جائزه» یا «بررسی انتقادی سب‌رس» از دکتر منظر اعظمی است که در دهلی، از سوی انجمن ترقی اردو در سال ۱۹۸۶ م. چاپ شده است. مقاله حاضر بر اساس ترجمه و تلخیص آن نوشته شده است.

افزون بر آن از مآخذ دیگری نیز استفاده شده که مشخصات آن در ضمن مقاله آمده است. البته درباره وجهی و آثار او هنوز جای بحث وجود دارد که باتوجه به منابع و مآخذ موجود در مقالاتی دیگر بدان پرداخته و پرده از چهره این گوهر تابناک ادب اردو که اصل و نژاد ایرانی دارد و خراسانی الاصل است برخواهم گرفت.

